کلمات مصور

برخورد میان ادبیات و هنرهای تجسمی در ده پرتره نوشته گرترود استاین

جهان هنر

حدیث طالبی
گروه کتاب

در دنیای مرسوم روایت‌های ادبی، نویسنده با ترسیم خطی رفتارها، روایت وقایع و توصیف جزئیات فیزیکی تلاش می‌کند تا تصویری زنده از یک شخصیت در ذهن مخاطب بسازد. شخصیت‌پردازی مناسب و فضاسازی در داستان‌ها از عوامل مهمی هستند که ارتباط مخاطب را با کتاب بیشتر کرده و همذات‌پنداری را بالا می‌برند. اینجاست که این سؤال پیش می‌آید که «آیا می‌شود تنها با دیدن یک پرتره به ماهیت پنهان پشت آن شخصیت پی برد و در دنیای کلمات با او همراه و همگام شد؟» با خواندن کتاب «ده پرتره» نوشته گرترود استاین و با ترجمه حمید هاشمی کهندانی که در انتشارات کتاب آبان به چاپ رسیده، خواننده راهی متفاوت و جسورانه را برای ورود به دنیای داستان‌ها انتخاب می‌کند، چرا که استاین نه به دنبال روایت زندگی افراد است و نه می‌خواهد با تکیه بر توصیفات کلیشه‌ای، چهره‌ای از آنها ارائه دهد. گرترود استاین نویسنده و نظریه‌پرداز آمریکایی بود که پس از تحصیل در دانشگاه هاروارد به پاریس رفت و در آنجا محفلی تشکیل داد که پابلو پیکاسو، ارنست همینگوی، اسکات فیتزجرالد و هانری ماتیس به آن رفت‌وآمد داشتند. او را مبتکر اصطلاح «نسل گمشده» می‌دانند، نویسندگانی که با بهره‌مندی از نظراتش راه خود را پیدا کردند. استاین با نفوذ فکری خود توانست جهت حرکت ادبیات و هنر قرن بیستم را تغییر دهد. او در واقع با به چالش کشیدن ساختار مرسوم و سنتی زبان، تلاش می‌کند پرتره‌هایی خلق کند که نه از جنس توصیف، بلکه از جنس حضور باشند. او در این اثر، کلمات را از قید معنای مستقیم و وظیفه انتقال اطلاعات رها می‌کند و آنها را به ابزاری برای تجربه کردن بدل می‌سازد، این برای خواننده‌ای که به داستان‌های کلاسیک ساده، کلیشه‌ای و... عادت کرده، بی‌دردسر نخواهد بود.

در «ده پرتره» خواننده با متنی روبه‌رو می‌شود که در آن ریتم، تکرار و آهنگ کلام خود به تنهایی پرده از ماهیت پنهان شخصیت‌ها برمی‌دارند. استاین با این رویکرد مرزهای میان ادبیات و هنرهای تجسمی را کمرنگ کرده و از مخاطب می‌خواهد به جای خواندن یک داستان به تماشای یک حضور زبانی بنشیند؛ تجربه‌ای که در آن کلمات دیگر تنها ابزاری برای انتقال

ده پرتره

- نویسنده: گرترود استاین
- مترجم: حمیدهاشمی کهندانی
- انتشارات: کتاب آبان
- تعداد صفحات: ۱۲۸ صفحه
- قیمت: ۳۳۰۰۰۰ تومان

حقیقت نیستند، بلکه خود حقیقت آن پرتره‌هایی هستند که در مقابل خواننده جان می‌گیرند. استاین در این کتاب از همان ابتدا نشان می‌دهد در چارچوب روایت‌های مرسوم حرکت نمی‌کند. او به جای آنکه شخصیت‌ها را از مسیر داستان، حادثه و کنش‌های بیرونی معرفی کند، زبان را به سطحی تازه می‌برد؛ سطحی که در آن تکرار، مکث، جابه‌جایی واژه‌ها و ضرباهنگ جمله‌ها اهمیتی اساسی پیدا می‌کنند. همین ویژگی باعث می‌شود متن او در نگاه اول ساده به نظر برسد، اما در عمق، ساختاری پیچیده و تجربی داشته باشد. استاین با این شگرد، خواننده را وادار می‌کند نه فقط معنا را بخواند، بلکه ریتم و حضور را نیز احساس کند. در واقع، او متن را ابزاری برای انتقال اطلاعات نمی‌داند و آن را به یک تجربه زبانی تبدیل می‌کند.

حضور انسانی در واژگان

عنوان کتاب نشان می‌دهد استاین با مفهوم پرتره به شیوه‌ای متفاوت برخورد می‌کند. در سنت معمول، پرتره یعنی بازنمایی چهره و ویژگی‌های ظاهری یک فرد، اما در این کتاب پرتره بیشتر به معنای ترسیم یک حالت وجودی است. شخصیت‌ها نه فقط با ظاهرشان، بلکه با نوع بودن‌شان در زبان شکل می‌گیرند. استاین از جزئیات کوچک، تکرارهای عمدی و جمله‌های ظاهراً ساده بهره می‌گیرد تا به معنایی فراتر از توصیف برسد، نوعی حضور انسانی که بیشتر از آنکه توضیح داده شود، حس می‌شود. به همین دلیل، خواندن این اثر شبیه نگاه کردن به تابلویی است که معنا را یکباره آشکار نمی‌کند، بلکه آرام‌آرام و لایه‌به‌لایه خود را نشان می‌دهد.

از منظر تاریخی نیز «ده پرتره» در دل فضای مدرنیسم معنا پیدا می‌کند، دوره‌ای که هنرمندان و نویسندگان در جست‌وجوی شکل‌های تازه‌ای برای بیان تجربه و ایجاد فضایی برای برخورد میان ادبیات و هنرهای تجسمی بودند؛ فضایی که در آن، مفاهیم کوبیسم و ابداع فرم‌های جدید، از بوم نقاشی به صفحات کتاب منتقل شد.

آثار استاین همواره با چالش ساختار معنایی همراه بوده است. او در مجموعه‌ای همچون «نوشتارهای بی‌پایان» و نوشته‌های تجربی دیگرش به جای تمرکز بر سیر زمانی حوادث، بر تکرار ساختاری تأکید دارد. هدف این روش که در آن واژه‌ها با ریتمی مشخص و گاهی با نادیده گرفتن قواعد دستوری مرسوم، تکرار می‌شوند، رسیدن به یک حقیقت درونی از طریق فرم بوده است.

در پاییز ۱۹۰۵، پیکاسو پس از بازگشت از گوسول به پاریس، موفق شد تابلوی خیره‌کننده «پرترهٔ گرترود استاین» را که مدت کوتاهی پس از اولین ملاقاتش با این نویسنده آمریکایی آغاز کرده بود، به پایان برساند.

درکتاب «ده پرتره» خواننده با متنی روبه‌رو می‌شود که در آن ریتم، تکرار و آهنگ کلام به تنهایی پرده از ماهیت پنهان شخصیت‌ها برمی‌دارند. استاین با این رویکرد مرزهای میان ادبیات و هنرهای تجسمی را کمرنگ کرده و از مخاطب می‌خواهد که به جای خواندن یک داستان، به تماشای یک حضور زبانی بنشیند

استاین معتقد بود زبان سنتی، توانایی بازنمایی پیچیدگی لحظه و حضور انسانی را ندارد، بنابراین با استفاده از تکنیک‌های روایت‌زدایی، سعی می‌کرد زبان را از حالت ابزاری و توضیحی به حالت حسی و وجودی تغییر دهد.

استاین در دوران حیات خود با واکنش‌های متناقض و ضد و نقیضی روبه‌رو بود. از سوی برخی به عنوان یک نوآور و از طرفی به عنوان نویسنده‌ای دشوار و مبهم شناخته می‌شد. جایگاه او در تاریخ ادبیات مدرن، غیرقابل انکار است. نمی‌توان تأثیر او بر نسل بعدی نویسندگان انگلیسی‌زبان همچون ارنست همینگوی را نادیده گرفت. این موضوع یکی از بحث‌های اصلی در تاریخ ادبیات مدرن است؛ جایی که گفته می‌شود سبک ساده‌سازی‌شده و ریتمیک همینگوی، وامدار برخورد استاین با ساختار جمله و حذف زواید توصیفی است.

بازنمایی حقیقت روح انسان

گرترود استاین در آثارش، مرز میان نثر و شعر را به شکلی سیستماتیک کمرنگ کرده است. در «ده پرتره» این تأثیر به اوج خود می‌رسد؛ جایی که نویسنده با نگاهی مشابه به یک نقاش کوبیسم، تلاش می‌کند تا از طریق بازنمایی تکه‌تکه و از زوایای مختلف، ماهیت یک شخصیت را بازسازی کند. او نه با تکیه بر وقایع زندگی افراد، بلکه با تحلیل ساختار حضور آنها، به دنبال خلق یک واقعیت جدید در قالب کلمات است. این رویکرد، او را از یک نویسنده توصیف‌گر به یک معمار زبان تبدیل کرده که هدفش، ساختن جهان‌های جدید ازطریق بازآرایی عناصر بنیادین کلام است. در نهایت، پس از عبور از لایه‌های فرمی و تجربی «ده پرتره»، با این پرسش بنیادی مواجه می‌شویم که آیا استاین در این اثر به هدف غایی خود یعنی بازنمایی حقیقت روح انسان از طریق کلام دست یافته است؟ پاسخ به این پرسش، نه در محتوای روایی کتاب، بلکه در تجربه‌ای نهفته است که خواننده پس از بستن کتاب با خود به همراه می‌برد. «ده پرتره» تنها یک کتاب نیست؛ بلکه یک میدان آزمون است که مرزهای ادراک ما را از زبان به چالش می‌کشد.

آنچه این اثر را در تاریخ ادبیات مدرن متمایز می‌کند، جسارت آن در رها کردن معنای خطی است. خواننده در این کتاب، با نوعی سکوت معنادار در میان کلمات مواجه می‌شود؛ سکوتی که در آن، شخصیت‌ها نه با کنش‌های دراماتیک، بلکه با بودن محض خود تعریف می‌شوند. استاین با تقلیل روایت به ریتم، تکرار و ضرباهنگ، به ما می‌آموزد که برای درک دیگری، نیاز نیست همیشه داستان زندگی‌اش را بشنویم؛ گاهی کافی است به فرکانس حضور او در زبان گوش بسپاریم. این رویکرد، اگرچه درنگاه اول دشوار و دیریاب به نظر می‌رسد، اما دقیقاً همان نقطه‌ای است که ادبیات به هنر محض نزدیک می‌شود.

دیدگاه روان‌شناسانه استاین

گرترود استاین در آثار دیگر خود همچنان عقایدش را دنبال کرده است. از مهم‌ترین آثار او می‌توان به کتاب «سه زندگی» اشاره کرد که در سال ۱۹۰۹ منتشر شد و در قالب سه داستان به هم پیوسته، زندگی سه زن از طبقه کارگر در شهری خیالی به نام بریج‌پوینت را روایت می‌کند. این کتاب باعث شهرت اولیه استاین شد و از نظر فکری و ادبی جایگاه ویژه‌ای در میان طرفداران خود پیدا کرد. «سه زندگی» با نثری تکرارشونده و ساختارشکن، تجربه‌ای زبانی و احساسی منحصربه‌فردی برای خواننده رقم می‌زند؛ روایتی که بیشتر از آنکه خطی باشد، موزون و روان‌شناسانه است. این اثر تنها به واسطه درونمایه‌های اجتماعی و انسانی‌اش اهمیت ندارد، بلکه به دلیل سبک تجربی استاین در واکاوی روان‌شناختی شخصیت‌ها، نقطه عطفی در تاریخ ادبیات مدرن محسوب می‌شود. او با ساختارشکنی در روایت‌های کلاسیک و بهره‌گیری از تکرارهای حساب‌شده، لایه‌های پنهان زندگی زنانی را جست‌وجو می‌کند که در حاشیه اجتماع، میان رنج‌ها و آرزوهای سرکوب‌شده‌شان گرفتارند. این سه داستان بهم پیوسته فراتر از زمان، تصویری ماندگار از تقابل زن، طبقه اجتماعی و تنهایی ارائه می‌دهد که هنوز هم جزو آثار تأثیرگذار به حساب می‌آید.

«پاریس فرانسه» در سال ۱۹۴۰ در روز سقوط پاریس به آلمان در طول جنگ جهانی دوم منتشر شد. این کتاب خاطرات دوران کودکی استاین را با تفسیری بر مردم و فرهنگ فرانسه ترکیب می‌کند. این کتاب خاطراتی است که به سبک جریان سیال ذهن نوشته شده و دیدگاه شخصی استاین از مردم فرانسه را بازگو می‌کند. «کتاب آیدا» اولین بار در سال ۱۹۴۱ وارد بازار نشر شد. استاین قصد داشت این کتاب به دو شکل شناخته شود؛ زمانی درباره زندگی زنی در عصر فرهنگ و شهرت و متنی که داستان مختص به خود را برای روایت دارد. داستان این اثر از تولد آیدا تا دوران بزرگسالی او را دنبال می‌کند و به توصیف رابطه این شخصیت با سگ‌ها، مراوداتش با غریبه‌ها و ازدواج چندباره او می‌پردازد، در حالی که برخی از جزئیات زندگی‌اش ناگفته باقی می‌ماند. آیدا به مناطق مختلف ایالات متحده می‌رود و در بخش دوم داستان، احتمالاً در اروپا ساکن است. او در جوانی به شهرت می‌رسد و مجبور می‌شود که مدام نگران افکار و نظرات مردم درباره خودش باشد. اما عکس‌العمل معمول او نسبت به این شرایط، فرار است؛ فراری که به نظر می‌رسد پایانی نخواهد داشت. نمایشنامه «لطفاً رنج نکشید» او پیشگام زبان ادبی رمان قرن بیستمی آمریکا، در فضای جنگ جهانی اول رخ می‌دهد و با فضای نامتعارف و ضد قصه توصیف می‌شود.

نقاشی «فوجی سرخ» کاتسوشیکا هُکوسای، از مجموعه سی و شش منظره از کوه فوجی، حدود ۱۸۳۰-۱۸۳۱

پیرمرد نقاش

پنجره‌ای به جهان‌بینی و مهارت کاتسوشیکا هُکوسای در دیوانه نقاشی

در طول تاریخ، کم نبوده‌اند هنرمندانی که برای درک حقیقت هستی، به جای واژه‌ها، از خطوط و رنگ‌ها بهره جسته‌اند. کاتسوشیکا هُکوسای، نقاش ژاپنی، یکی از هنرمندانی است که نقاشی برایش نه یک حرفه، که یک آیین زیستن و دیوانگی مقدس بود. کتاب «دیوانه نقاشی» به گزینش ریکوماتسوبا و ترجمه مجید پروانه‌پور، نه تنها برشی از آثار هُکوسای است، بلکه دعوتی محسوب می‌شود به تماشای جهان از دریچه نگاه مردی که با قلم‌موی خود زمان را متوقف کرد. کتاب «دیوانه نقاشی» فرصتی برای ورود به دنیای هنری هُکوسای است. این کتاب نقش او را در دنیای هنر برجسته می‌کند و تکنیک‌های نوآورانه و تأثیر عمیق آثارش را بر هنر ژاپنی و جهانی نشان می‌دهد. این اثر، هُکوسایی را در چارچوب تاریخی هنر ژاپن دوره «ادو» قرارمی‌دهد و به خوانندگان توصیفی از بافت فرهنگی و تاریخی که بر هنر این نویسنده تأثیرگذار بوده، ارائه می‌کند. «دیوانه نقاشی» با جمع‌آوری یادداشت‌ها و متون هُکوسای همراه بوده است که این متن‌ها وجوه مختلفی از این نقاش را نشان می‌دهد. همچنین استفاده از نوشته‌های خود او به خوانندگان کمک می‌کند تا درک عمیق‌تری از شخصیت، چالش‌ها و تلاش‌های بی‌وقفه او داشته باشند.

هنرمندی اثرگذار

در بخش‌هایی از کتاب به تأثیرگذار بودن هُکوسای و آثارش در دوران معاصر اشاره شده است. ساختار این کتاب، همانند یک مجموعه آثار متصل طراحی شده و خواننده در همان ابتدا با طراحی‌های مدرن برای شانه‌ها و چپق‌های تنباکو روبه‌رو می‌شود. در بخشی از کتاب، هُکوسای نشان می‌دهد هنر در زندگی روزمره و ابزارهای کوچک دست انسان نیز می‌تواند باشد، این نگاه موشکافانه در کتاب «الگوی جدید کاتسو شیکا» نیز ادامه پیدا می‌کند. «دیوانه نقاشی» زبان تصویری او را برای نسل‌های بعدی رمزگشایی می‌کند که در یکی از فصل‌های کتاب به آن پرداخته است. روح کتاب در فصل‌های «زیروبم نقاشی با رنگ، جلد نخست» و «زیروبم نقاشی با رنگ، جلد دوم» دمیده شده است. در این بخش‌ها هُکوسای نه تنها از تکنیک، بلکه ازنفس نقاشی سخن می‌گوید. او با کلماتش بوم را زنده می‌کند و به مخاطب می‌آموزد که چگونه باید به هستی نگاه کرد. او هنر را فرآیندی می‌بیند که در آن هنرمند باید پیش از ترسیم سوژه با روح آن یکی شود، این درک عمیق در«یکصد چشم‌انداز به کوه فوجی» به اوج می‌رسد، جایی که فوجی نه یک کوه که نمادی از ایستادگی در جهان متغیر است. آنچه این کتاب را متمایز می‌کند، نگاه تاریخی آن است؛ از بررسی «تبلیغاتی از دهه ۱۸۸۰» که نشان‌دهنده تأثیرات گسترده سبک هُکوسای برهنر تجاری و دیداری زمان خود است تا «گفت‌وگوی مانا بو ئیکدا و ریکو ماتسوبا» که خواننده را در جایگاه مخاطب امروزی قرار می‌دهد تا دریابد چگونه نگاه یک نقاش قرن هجدهمی، هنوز هم می‌تواند بر دیدگاه‌های هنری معاصر اثرگذار باشد. هکوسای، خود را «پیرمرد دیوانه نقاشی» می‌نامید. لقبی که نشان از تواضع عارفانه و اشتیاق بی‌پایان او به یادگیری داشت. او معتقد بود که تا نود سالگی، به درک جوهره اشیا نخواهد رسید. این کتاب، حکایت همین جست‌وجوی بی‌پایان است. او فقر، ناملایمات و تغییرات سریع عصر خود را با قلم‌موی خود درنوردید تا چیزی خلق کند که نه تنها برای دوران خویش، بلکه برای تمام زمان‌ها باقی بماند.

هُکوسای در ۶ سالگی پای در مسیر هنری خود گذاشت و نقاشی و طراحی آیینه را در کنار پدرش آغازکرد و در ۱۴ سالگی حکاکی و چاپ روی لوحه‌های چوبی را نزد یک استاد آموزش دید. بعد از آن در ۱۸ سالگی توانست وارد استودیوی کاتسوکاواشانشو شود. او از همان ابتدای کارآموزی هُکوسایی به یادگیری هنر باسمه چوبی معروف -یا اوکی یویه که به چاپ روی لوحه‌های چوبی گفته می‌شد- پرداخت و اولین اثرش را با نام مستعار «شانرو» در ۱۹ سالگی چاپ کرد. او در سال ۱۷۹۳ کار روی مکاتب هنری دیگر از جمله اروپایی را آغاز کرد و به همین دلیل مجبور به ترک استودیوی کاتسوکارا شد. اما این برای او پایان راه نبود، بلکه آغازی شد برای تغییرسوژه کارهایش از تصویر هنرمندان و هنرپیشگان -که سوژه‌های سنتی سبک اوکی یویه به شمار می‌رفتند- تصاویری از زندگی روزمره مردم ژاپن و مناظر طبیعی.

«دیوانه نقاشی» دریچه‌ای برای وارد شدن به دنیای هنری هکوسای است، این کتاب نقش او را در دنیای هنربرجسته می کند و تکنیک‌های نوآورانه و تأثیر عمیق آثارش را بر هنر ژاپنی و جهانی نشان می‌دهد

همین تغییرسبک و سوژه سبب نقطه عطفی هم در حرفه هُکوسای و هم در هنر اوکی یویه شد. پس از این دوران، هُکوسای تحت نام «تاواریا سوری» شروع به همکاری با مدرسه تاواریا کرد و تعداد زیادی نقاشی با قلم‌مو خلق کرد. در سال ۱۸۰۰ نام خود را به کاتسوشیکا هُکوسای تغییر داد و این بار به عنوان یک هنرمند مستقل بدون وابستگی به یک مدرسه یا استودیوهنری شروع به کار کرد و توانست دو مجموعه از نقاشی‌های مناظرش را به چاپ برساند. او در سال ۱۸۰۷ شروع به همکاری با «تاکیساوا بارکین» نویسنده مشهور کرد و تصویرپردازی روی مجموعه‌ای از کتاب‌های مصور او را به انجام رساند.

دیوانه نقاشی

- نویسنده: کاتسوشیکا هکوسای
- به گزینش و ترجمه: ریکو ماتسوبا
- مترجم: مجید پروانه‌پور
- انتشارات: آبان
- تعداد صفحات: ۱۹۲ صفحه
- قیمت: ۴۷۵۰۰۰ تومان

دعوت به دیدن و یادگیری

او مهم‌ترین آثار خود را پس از ۶۰ سالگی خلق کرد که از معروف‌ترین آنها می‌توان به «موج عظیم کاناگاوا» اشاره کرد. این اثر تصویری از یک موج عظیم و خروشان را نشان می‌دهد که با چنگال‌های آب خود، قایق‌های کوچک ماهیگیران را اسیر می‌کند. در کنار تصویر خروشان آب، کوه فوجی را به صورت آرامش‌بخشی به تصویر کشیده که با آشفتگی دریا در تضاد است. این ترکیب درخشان از طبیعت و انسان یکی از شناخته شده‌ترین نمادهای فرهنگ ژاپن محسوب می‌شود. از دیگر آثار او «باد جنوبی، آسمان صاف» است که کوه فوجی در سپیده‌دم، زیر آسمانی روشن، به رنگ قرمز درآمده است، این ویژگی آن را به یکی از ساده‌ترین اما تأثیر گذارترین آثار او تبدیل کرده است. این تصویر، برخلاف موج عظیم که پر از حرکت و پویایی است، حس آرامش و ثبات را القا می‌کند و نشان می‌دهد چگونه طبیعت و نمادهای ملی می‌توانند در یک قاب هنری، هویت یک ملت را به تصویر بکشند.

پرتره‌های «میکوته» یا تصاویر انسانی، هُکوسای در ترسیم چهره‌ها و حرکات بدن به سطح خیره کننده‌ای از حیات دست یافته است. او در طرح‌های خود نه تنها فرم بدن بلکه احساس لحظه را به تصویر می‌کشد؛ از خنده یک پیرزن گرفته تا تلاطم حرکات یک رقصنده. این آثار نشان می‌دهند که هُکوسای چقدر به جزئیات روان‌شناختی انسان‌ها اهمیت می‌داد و چگونه می‌توان با چند خط ساده روح یک موجود زنده را بر کاغذ جاری کرد. هُکوسای با دقت یک دانشمند و با اشتیاق یک شاعر به مطالعه حشرات، گل‌ها و پرندگان می‌پرداخت. این آثار نشان دهنده دیوانگی‌اش در جست‌وجوی حقیقت است. او معتقد بود که برای درک کل جهان باید در لرزش بال یک پروانه یا در فرم پیچیده یک گل، نظم هستی را مشاهده کرد. این دقت وسواس‌گونه مرز میان هنر و علم را در آثارش از میان برده است. آثار او به عنوان گواهی براین مدعا معرفی می‌شوند که هنر می‌تواند زمان را متوقف کند.

هُکوسای با قلم‌مویش نه تنها طبیعت را بلکه روح انسانی را نیز ترسیم می‌کرد. روحی که میان میل به آزادی و نیاز به نظم مدام در نوسان است. هدف اولیه هُکوسای از خلق طرح‌های خود، صرفاً هنری نبود و جنبه آموزشی و کابردی هم داشته است. او می‌خواهد مجموعه دانش و مهارت‌های خود را در زمینه طراحی، ترکیب‌بندی و نمایش موضوعات مختلف به شاگردانش و علاقه‌مندان منتقل کند. آثار هُکوسای به عنوان راهنمایی برای یادگیری چگونگی ترسیم دقیق و پویای عناصر گوناگون طبیعت، انسان‌ها، حیوانات و حتی مفاهیم انتزاعی عمل می‌کند. درمیان واژگان ژاپنی کلمه «منگوا» به چشم می‌خورد که به نوعی ذهن پویا و خلاق هُکوسای را نمایش می‌دهد که در آن دوران به معنای تصویرگری، طراحی یا اشکال تصادفی بوده است. طرح‌های تصادفی هُکوسای یا تصویرگری‌های او نشان از این دارد که همزمان با مشاهده و یادداشت‌برداری، توانسته جزئیات جهان پیرامون خود را نیز ثبت کند. با گذشت زمان مجموعه‌های «منگوا» یا «مانگا» به «کمیک استریپ» تغییر پیدا کرده است.

امروزه کاتسوشیکا هُکوسای همچنان به عنوان یکی از غنی‌ترین و ارزشمندترین منابع برای هنرجویان، طراحان، تصویرگران و پژوهشگران هنر شناخته می‌شود. مجموعه‌های او یک کلاس درس جامع و تعاملی است. هر طرح او فرصتی برای مشاهده، ترکیب‌بندی، نمایش فرم و یادگیری تکنیک‌های پایه‌ای است. مواجه شدن با آثار او ذهن را به چالش می‌کشد، ایده‌های نوینی برای پروژه‌های خلاقانه فردی را در وجود انسان برمی‌انگیزد و منبعی تمام نشدنی برای طوفان فکری و کشف راه‌های جدید برای تصویرسازی به شمار می‌آید. در نهایت، آثار کاتسوشیکا هُکوسای فراتر از یک اثر هنری صرف، یک فلسفه زیستن است؛ فلسفه‌ای که بر مشاهده دقیق، کنجکاوی بی‌وقفه و لذت بردن از ثبت زیبایی‌ها و شگفتی‌های جهان تأکید دارد. این مجموعه، دعوتی است به دیدن، یادگیری و خلق کردن.